



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی یافته های پژوهشی: عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

شهناز ترکاشوند^۱، هانیبه حیدری^۲، محمدمامین مرادی^۳

آموزش و پرورش

چکیده

امروزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام های آموزشی مورد توجه قرار گرفته و علاوه بر آن، پیشرفت تحصیلی همواره برای معلمان، دانش آموزان، والدین، نظریه پردازان، و محققان تربیتی نیز حائز اهمیت بوده است. سال های متعددی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روان شناسان اجتماعی، مطالعات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان انجام داده اند. پیشرفت موضوعی است که به خصوص در حال حاضر نیز مورد توجه تمامی کشورهای جهان بوده است، و هر ساله مقدار زیادی از بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می شود و پژوهش های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می تواند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر داشته باشد، عواملی مانند: خانواده، محیط زندگی، مدرسه و برنامه های آموزشی اختصاص یافته است. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش ها در این نظام در واقع تلاش برای جامعه عمل پوشاندن تلقی می شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و تواناییها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند.

کلیدواژه: آموزشی، شاخص، دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

عوامل مؤثر در آموزش را می‌توان به ترتیب زیر نام برد :

الف : شاگرد

یکی از نکات مهم آموزشی، شناخت توانایی‌های فکری و ذهنی شاگردان است. در این مورد تلاش می‌شود تا جایی که امکان دارد قدرت فکری و میزان معلومات یکایک آنان شناخته شود تا بتوان در حل مشکلات و مسائل آموزشی به گونه‌ای مؤثر اقدام کرد. لازمهٔ چنین شناختی آن است که :

اولاً احاطهٔ کامل به مطالب و برنامه‌های آموزشی وجود داشته باشد.

ثانیاً مشکلات و مسائل آموزشی نیز از دیدگاه ایشان بررسی شود. در این باره توجه به موارد زیرین ضروری است.

- همه آنها (به استثنای شماره محدودی) از لحاظ جسمی، فکری، و احساسی بالغ هستند.
- بسیاری از آنها در یادگیری مطالب، هدف دارند و چنانچه برانگیخته شوند، اشتیاق زیادی برای آموختن موضوعات تازه از خود نشان خواهند داد.
- علاقه خاصی در استفاده از آموخته‌های خویش در عمل دارند. به عبارت دیگر، هر آموزشی را از دو جنبه ارزیابی می‌کنند :

۱- از لحاظ اطلاعات و دانشی که به آنها عرضه می‌شود.

۲- از لحاظ منافی که ممکن است در کار آینده ایشان داشته باشد. به همین سبب است که در بسیاری از مواقع کنجکاوند تا بدانند که تکالیف خود را «چگونه» و «چرا» بایستی انجام دهند.

در شناخت استاد باسواد و مسلط از همگان صلاحیت بیشتری دارند و به یک چنین معلمی احترام می‌گذارند. همچنین است در شناسایی کسانی که از چنین امتیازاتی برخوردار نیستند.

با توجه به اینکه «انسانها به لحاظ روان‌شناختی با یکدیگر متفاوت‌اند» بی‌تردید شاگردان نیز از لحاظ توانایی‌های جسمی،

عاطفی، استعداد، هوش، ثبات روانی، علاقه به تحصیل، معلومات عمومی، تجربیات و ... با همدیگر فرق دارند. لذا وظیفه یک معلم موفق و دلسوز است که چنین تفاوت‌هایی را بشناسد و از آنها در آموزش به نحوی مطلوب استفاده کند. در ضمن فراموش نکنیم که با شیوه‌های صحیح تدریس، اکثریت دانش‌آموزان توانایی آموختن مطالب آموزشی را خواهند داشت.^۱

رعایت پاره‌ای از مطالب در تدریس، تأثیر آن را فزونی بخشیده و علاقهٔ شاگردان را به موضوعات آموزشی بیشتر می‌کند، لذا به

استادان و مدرسین گرامی توصیه می‌شود که به موارد یاد شده زیر توجه کافی مبذول بدارند.

یکی از مهمترین اصول تدریس، احاطهٔ کامل معلم است به مطالب آموزشی، تا بتواند پاسخ‌گوی همه سئوالات کلاس باشد. اما

اگر معلم پاسخ سئوالی را به هر سببی ندانست، لازم نیست که با داستان‌سرایی در مقام پرده‌پوشی به آن چه نمی‌داند، برآید. بلکه باید صراحتاً بگوید که پاسخ صحیح در جلسه آینده داده خواهد شد. سپس با مطالعه و با بررسی کافی، پاسخ صحیح سئوال را پیدا کرده و آن را در اولین جلسه کلاس مطرح سازد.

از بکاربردن کلمات و جملات زشت و تحقیرآمیز در کلاس جداً خودداری کنید. بیان الفاظ زشت و یا توهین‌آمیز نه تنها در خور

شخصیت معلم نیست که کلاس را در حالت اختناق، واخوردگی و افسردگی قرار داده و باعث می‌شود که شاگردان فعالانه در آموزش شرکت نکنند و از هر گونه اظهار نظری هم خودداری کنند.

^۱ - حسام‌الدین بیان و محمد شکیامقدم، مدیریت شیوه‌های نوین در آموزش، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۴۴.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در پاسخ به سئوالات و یا در مباحثات کلاس از جملات کنایه‌ای یا استهزایی استفاده نکنید. یکی از زیان‌بخش‌ترین نتایج چنین سخنان گوشه‌دار، آزرده‌گی خاطر شاگردان خواهد بود، و واضح است که انسان آزرده که در یک حالت روحی انفعالی قرار دارد، هرگز آمادگی ذهنی لازم را برای یادگیری نخواهد داشت.

با برخوردی دوستانه و محبت‌آمیز نشان دهید که از تدریس در کلاس و تبادل افکار و اطلاعات با شاگردان خوشحال و خشنودید در صورت مشاهده کم‌کاری در یک یا چند نفر از شاگردان آن را تعمیم ندهید و از تنبیه و یا تحقیر گروهی خودداری کنید. کندی شاگرد در فراگیری مطالب آموزشی، شاید ناشی از نقص بیان و یا شیوه نادرست تدریس شما باشد. لذا مشاهده چنین پدیده‌ای نباید موجبات عصبانیت معلم را فراهم کند، بلکه باید ابتدا موضوع را ریشه‌یابی کند و سپس با کمال خونسردی در صدد رفع نقص برآید.^۱

ب: استاد

۱- ویژگی‌های استاد:

الف) داشتن و اطلاعات کافی

همانطوری که قبلاً نیز اشاره شده یکی از مهمترین اصول آموزش، آگاهی کافی درباره مطالب آموزشی است، به نحوی که معلم را توانا سازد تا با تسلط کامل مطالب آموزشی را ارائه دهد. زیرا تجربه فقط وسیله‌ای است که کمک می‌کند تا تدریس با شیوه‌های واقع‌گرایانه و جالب‌تر عرضه شود. در حالی که امر تدریس علاوه بر داشتن چنین امتیازی احتیاج به اطلاعات لازم دارد تا با حضور ذهن و آمادگی کامل به همه سئوالات پاسخ درست داده شود.

ب) آشنایی با شیوه‌های تدریس

یکی از اساسی‌ترین شرایط لازم برای تدریس، آشنایی با فنون و شیوه‌های آن است. این امر آنقدر حائز اهمیت است، که حتی موفقیت یا شکست یک دوره آموزش می‌تواند بستگی تامی به آن داشته باشد. از این رو، برای این که دوره آموزشی با نتایج پرباری خاتمه یابد، انتخاب مدرسان با صلاحیت که از این شیوه‌ها و فنون به خوبی آگاهی داشته باشند، ضروری می‌نماید.

ج) شخصیت^۲

شخصیت ممتاز معلم عامل مهمی در تدریس به شمار می‌رود. اصولاً شخصیت یک انسان را می‌توان مجموعه صفاتی دانست که واکنش مطلوب یا نامطلوب دیگران را برمی‌انگیزاند.

شخصیت ممتاز نیز که واکنش‌های مطلوب دیگران را در پی دارد در واقع کیفیتی فطری ندارد. بلکه می‌توان چنین هنجاری را با تمرکز حواس، کنترل رفتار، گفتار و کردار در خود به وجود آورده و آن را بهبود و توسعه بخشید، لذا هر معلمی می‌بایست در ایجاد شخصیتی قابل تحسین برای خویشتن بکوشد و در این راه ویژگی‌های ممتاز شخصیت دیگران را با کنش و منش خود مقایسه کرده و عنداللزوم کاستی‌های خود را جبران کند.

د) قدرت و رهبری

معلمانی که توانایی رهبری دارند، می‌توانند به آسانی قدرت درک و فراگیری شاگردان را تقویت کنند، آنان با ایجاد نظمی صحیح به وجهی مطلوب کلاس را اداره کرده و از این طریق باعث پیشرفت آموزش می‌شوند و با بهره‌گیری از نفوذ خویش، دانش‌آموزان را به فراگیری بهتر مطالب آموزشی ترغیب می‌کنند. اداره مطلوب کلاس در برگیرنده موضوعاتی است از قبیل: تهیه برنامه تدریس،

^۱- همان منبع، ص ۴۵.

^۲- Personality



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تقسیم صحیح رسانه‌های کمک آموزشی، حفظ رسانه‌های کمک آموزشی، نگهداری سوابق شاگردان، تهیه گزارشهایی در باره ایشان یا پیشرفت آموزش و شمار دیگری از کارهای اداری ...^۱
(ه) تفکر حرفه‌ای^۲

تفکر حرفه‌ای به این معنی است که معلم همواره در فکر بهبود شیوه‌های تدریس، موفقیت و پیشرفت شاگردان و اجرای صحیح برنامه‌های آموزشی باشد. بعلاوه ارتباط دائم خود با آنها حفظ کرده و در حل مسائل راهنمایی‌های لازم را بعمل آورد. معلمی که چنین طرز تفکری داشته باشد بطور مستمر به اندوخته‌های اطلاعات خویش می‌افزاید و در بهبود روش تدریس از هیچ کوشش فروگذار نمی‌کند، همواره مهارت خود را بالا می‌برد و در خودسازی و دانش‌اندوزی از هر فرصتی بهره‌ها می‌گیرد. شایان ذکر است که معلم از هر نظر برای شاگرد الگویی است که همواره او را تحت تأثیر طرز تفکر، باورها و هنجارهای خود قرار می‌دهد. از این رو، کنش و منش او از یک سو روی ایشان تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر بر روی برنامه آموزشی بازتاب دارد.
۲- بهسازی شیوه تدریس

در بهسازی شیوه تدریس، لزوم تغییراتی در گفتار، کردار و رفتار معلم و همچنین تغییری در نحوه تدریس ضروری است. چنین دگرگونی‌هایی فقط در سایه کوشش مستمر ایجاد خواهد شد. زیرا کسانی که برای مدتی تحت شرایط عالی به تدریس اشتغال داشته‌اند، دلیلی ندارد که برای همیشه چنین شرایطی را حفظ کند و یا آنهایی که در یک سال تحصیلی از لحاظ تدریس از هر جهت عالی بوده‌اند شاید نتوانند این امتیاز را برای سال دیگر نگاه‌دارند.^۳

- اینکه به شرح اهم عواملی که در بهبود روش تدریس مؤثرند می‌پردازیم:

برای بهسازی شیوه تدریس، ابتدا سعی می‌شود تا عواملی که در تدریس مؤثرند شناخته شوند. سپس با آگاهی از این عوامل به فراخور توانایی، معیارهای مشخصی برای تدریس تعیین می‌شود پاره‌ای از این عوامل مهم عبارتند از:
الف) مداومت در استفاده از شیوه صحیح تدریس

یکی از مهمترین نکاتی که پس از بهسازی روش تدریس بایستی به آن توجه کافی مبذول شود، مداومت و حفظ کیفیت عالی شیوه تدریس است. اما ظرافت کار در این جا است که روشهای دیگران حتی «بهترین‌ها» را هم نباید به گونه‌ای کورکورانه تقلید کرد. زیرا بسیار محتمل است که دو نفر با شیوه‌های مختلف تدریس و با شخصیتی کاملاً متمایز بتوانند مطالب آموزشی را در سطحی عالی ارائه دهند. در حالی که سبک تدریس هیچ یک از آن دو کوچکترین شباهتی با هم نداشته باشد. لذا لازم است که هر معلمی ابتدا آموخته‌ها و تجربه‌های خویش را در امر تدریس مشخص کرده و سپس با اصلاح روش خود بر آن اساس بکار پردازد و گرنه با تقلید کورکورانه از شیوه‌های ممتاز تدریس دیگران در کار خود موفق نخواهد شد.

ب) ارزیابی شیوه‌های تدریس

از روشهای مطلوب تغییر و بهبود شیوه‌های تدریس یکی هم این است که روش تدریس خویش را دقیقاً بررسی و ارزیابی کنیم. در حقیقت با انتقاد از خود می‌توانیم نکات قوت و ضعف شیوه تدریس خویش را تشخیص داده و سپس با رفع نکات ضعیف و تقویت نکات قوی می‌کوشیم تا به شیوه‌ای مطلوب دست یابیم.

ج) رفع معایب شیوه تدریس

۱- حسام‌الدین بیان و محمد شکبیا مقدم، مدیریت شیوه‌های نوین در آموزش، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۴۶.

۲ - Professional Attitude

۳- همان منبع، ص ۴۷.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همواره این فرصت در دست نیست تا بتوان روش تدریس را بطور عینی ارزیابی کرد و به معایب آن پی برد. به عبارتی دیگر برای انتقاد از خود، همیشه نمی‌توان فرصتی مناسب به دست آورد. برای این مشکل بهتر است که از کمک صاحب‌نظران با صلاحیت در امر تدریس استفاده شود.

بدین ترتیب که از آنان خواسته شود تا با حضور در کلاس نکات قوت و ضعف تدریس را مشخص کنند. آنگاه با تشریح معایب و محاسن و ارائه پیشنهادهای سازنده برای رفع معایب و تقویت نکات قوی سعی شود تا به یک شیوه مطلوب تدریس دست یافت.

(ه) دستیابی به بهترین شیوه تدریس

اصولاً قضاوت درباره نتایج تدریس مبتنی بر میزان تلاشی است که برای بهبود روشهای ارائه درس به عمل می‌آید برای رسیدن به چنین هدفی است که کوشش برابر یافتن بهترین شیوه تدریس هیچگاه قطع نمی‌شود. زیرا فقط با تلاشی پی‌گیر در این جهت است که می‌توان اطمینان حاصل کرد که نتایج حاصل از تدریس رضایت‌بخش خواهد بود.^۱

(و) توجه به جنبه‌های خاصی از آموزش

پیشرفت در تغییر و بهبود شیوه تدریس معمولاً با توجه به جنبه‌های خاصی از آموزش را می‌طلبد که بر اساس طرحی نظام‌دار میسر خواهد شد. بطور کلی صرف تعریف از شیوه تدریس نمی‌تواند بهبود مورد نظر را در روش تدریس فراهم سازد. لذا برای بهسازی شیوه تدریس لازم است که به بهسازی جنبه‌های خاصی از آموزش نیز گماشت.

عوامل مؤثر در بهسازی شیوه‌های تدریس را به خاطر بسپارید:

۱- مداومت در استفاده از شیوه‌های صحیح تدریس

۲- ارزیابی شیوه تدریس

۳- رفع معایب شیوه تدریس

۴- دستیابی به بهترین شیوه تدریس

پ) تدریس

۱- تهیه

۲- ارائه

۳- اجرا (عمل)

۴- مرور/بحث و انتقاد

۱- تهیه

نخستین گامی که در تدریس و یا هرگونه آموزشی برداشته می‌شود، مرحله تهیه یعنی طرح‌ریزی دقیق آنست. طرح‌ریزی تدریس، یعنی بهره‌گیری از اطلاعات، روش‌ها و مهارتهایی که بایستی با ظرافت خاصی بررسی شده و از آنها در کار تدریس استفاده شود. در این مرحله پیش‌بینی آماده‌سازی مطالب تدریس به نحوی است که مدرسان را نه تنها با سلاح دانش و اطلاعات کافی از مطالب آموزشی مجهز می‌کند که به آنها اتکاء به نفس و اطمینان خاطر لازم نیز می‌بخشد.

در مرحله تهیه، اصولاً مطالب تدریس چنان سازماندهی می‌شوند که هدفهای اولیه با زمینه فکری و اطلاعات دانش‌پژوهان

هماهنگی داشته باشد. به طوری که بعداً می‌توان به هدفهای از پیش تعیین شده آموزشی دست یافت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معمولاً مطالب آموزشی به گونه‌ای تدریس می‌شوند که شاگردان بتوانند به آسانی آنها را بفهمند و بیاموزند. برای رسیدن به این هدف، از روش آموزش: «از آسان به مشکل و از دانسته به ندانسته» استفاده می‌شود. شک نیست که تجزیه و تحلیل دقیق مواد آموزشی، حل صحیح مسائل و تمرین مطالب این اطمینان را بوجود خواهد آورد که اکثریت دانش‌پژوهان مطالب آموزشی را در حداقل زمان فهمیده و یاد خواهند گرفت.

۲- ارائه

مرحله تدریس با ارائه مطالب آموزشی آغاز می‌شود. نخستین گام در این مرحله، بیان مقدمه است یعنی معرفی مطالبی که تدریس خواهد شد. در این صورت است که شاگردان با شناخت کامل از مطالب آموزشی، خود را برای یادگیری اساسی آماده می‌کنند. در این مرحله توجه دانش‌آموزان جلب می‌شود و انگیزه آنها برای یادگیری بهتر مطالب آموزشی تحریک می‌گردد. ضمناً کاملاً آگاه خواهند شد که «چه» مطالبی را خواهند آموخت. و چرا آنها را می‌آموزند و «چگونه» این مطالب به حرفه ایشان ارتباط داشته و یا خواهد داشت. مرحله مقدمه را می‌توان با استفاده از رسانه‌های کمک آموزشی و با توجه مختصری از مطالب آموزشی و همچنین بهره‌گیری از اطلاعات و تجربیات دانش‌پژوهان برگزار کرد. دومین گام مرحله ارائه تشریح مطالب آموزشی است. پس از بیان مقدمه، با تشریح مطالب آموزشی است که نظرات تازه‌ای ارائه می‌گردد. این مرحله معمولاً با سخنرانی کنفرانس و یا با گفت و شنود برگزار می‌گردد. در این مرحله معمولاً هر یک از این شیوه‌ها در مقایسه با آموخته‌های (دانسته‌های) قبلی شاگردان بکار گرفته می‌شوند. البته پاره‌ای از این روشها فقط می‌توانند حواس شمار کمی از آنها را به خود جلب کند. بطور مثال در روش سخنرانی و یا کنفرانس، آنها از حس شنوایی شنوندگان استفاده می‌شود که مسلماً با بهره‌گیری از سایر حواس می‌توان نتایج حاصل از آموزش را فنی‌تر ساخت بنابراین، با استفاده ترکیبی از چندین شیوه تدریس و با جلب شمار بیشتری از حواس دانش‌جویان می‌توان سطح یادگیری آنها را بالاتر برد. مثلاً با نشان دادن موضوع آموزشی^۱ و با بکارگرفتن حس بینایی (علاوه بر حس شنوایی) می‌توان شیوه مؤثرتری را برای تدریس ارائه کرد. یعنی با همان روش شنیداری و دیداری (سمعی و بصری) در تدریس، ضمن تشریح بعضی از وسایل می‌توان خود آن وسیله را نیز به کلاس نشان داد. این شیوه به ویژه در آموزشهای فنی بسیار مؤثر است.

۳- اجرا (عمل)

در مرحله اجرا، شاگردان فرصت خواهند یافت که آموخته‌های خود را عملاً ارائه کنند. مسلماً استفاده از شیوه‌های مؤثر در این مرحله از آموزش، به آنان توانایی لازم را برای یادگیری مطالب مشکل آموزش خواهد داد. معمولاً در این مرحله می‌بایست نظارت کامل از ابتدا تا خاتمه کارآموزی اعمال گردد تا اطمینان حاصل شود که از روشهای علمی درست برای ارائه مطالب استفاده شده است.

۴- آزمون

معمولاً سطح اطلاعات و تسلط کلاس را نسبت به مطالب تدریس شده، در این مرحله بررسی و ارزیابی می‌کنند. با استفاده از آزمون می‌توان از میزان آموخته‌ها و نیز از اثرات مطالب آموزشی اطلاعات کامل‌تری به دست آورد.

۵- مرور / بحث و انتقاد

مرور / بحث و انتقاد آخرین مرحله از مراحل تدریس است که همواره پس از مرحله اجرا و یا آزمون برگزار می‌گردد. این مرحله نگاهی است سازنده در مورد دانش و اطلاعات و مهارت و آنچه که دانش‌پژوهان در طول آموزش آموخته‌اند. معمولاً در آخرین مرحله آموزش تصویری کلی از مطالب آموزشی ارائه می‌گردد و نکات مبهم مجدداً شرح و بیان می‌شوند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مرحله انتقاد معمولاً پس از مرحله آزمون و یا اجرا قرار دارد. در این مرحله گفت و گویی انتقادی خواهیم داشت و درباره مسائل آموزش طرح شده و مطالب تدریس شده و پیشنهادهایی که در باره بهبود آموزش ارائه می‌شوند. لذا مرحله بسیار سازنده‌ای است برای بهسازی شیوه تدریس و رفع اشکالاتی که در حین آموزش مشاهده می‌شود.^۱

ارتباط تدریس و یادگیری

تدریس و یادگیری دو مفهوم مجزا هستند و تئوریهای آنها نیز متفاوت می‌باشند. تدریس فرایندی است که محصول آن یادگیری است و الگوهای یادگیری بیانگر موقعیتهایی هستند که یادگیری در آن اتفاق می‌افتد. در حالی که الگوهای تدریس شیوه‌های تدریس و نحوه ارائه درس را بیان می‌کنند و برای آن تدوین شده‌اند که دانش‌آموزان ضمن یادگیری اطلاعات، افکار و مهارت‌های درسی، رشد ارزشها و مهارت‌های اجتماعی و فهم خود و اطراف خود، بردخاير خویش بیفزایند.^۲

تئوریهای یادگیری بیان‌کننده چگونگی تحقق یادگیری می‌باشند و شرایطی را که یادگیری در آن تحقق می‌یابد را توصیف می‌نماید، در حالی که تئوریهای تدریس بیانگر روشهای مختلفی هستند که رفتار معلم بر یادگیری فراگیران تأثیر می‌گذارد.^۳

عوامل مؤثر در کیفیت درس

فیلیپ کومیز معتقد است که از میان عوامل درون کلاسی ، ۵ عامل در کیفیت تدریس مؤثر می‌باشند که عبارتند از : اهداف آموزش ، برنامه‌های درسی، معلمان ، روشهای تدریس و تکنولوژی آموزشی^۴. حال آنکه اکثر صاحب‌نظران معتقدند که معلمان عامل اصلی در فرآیند تدریس و یادگیری می‌باشند. همه سرمایه‌گذارها و فعالیتهای آموزشی بخاطر برپایی کلاس و تحقق تدریس خوب می‌باشند. زیرا از طریق تدریس اهداف نظام تعلیم و تربیت تحقق می‌یابد و تا موقعیکه در طرز تدریس معلمان تغییر و بهبود حاصل نشود، ساختمانهای جدید، وسایل نقلیه ، و مسائل آموزشی و ... هیچیک برای بهبود کیفیت آموزش نقش مهمی نمی‌تواند ایفا کند.^۵

ارزشیابی کیفیت تدریس

ارزشیابی و سنجش کیفیت تدریس معلمان از مسایل مهم و پیچیده‌ای است که انجام آن نیازمند تخصص بالا و ظرافت بسیار است. مطالعات و تحقیقات فراوانی توسط محققان تعلیم و تربیت در این رابطه انجام شده و هر کدام شاخصهای متعددی را برای سنجش آن مورد توجه مورد قرار داده‌اند. بعضی از محققان ، بررسی نقطه نظرات مدیران مدارس و متخصصان تعلیم و تربیت، همکاران معلم ، فراگیران و خود معلمان را مورد توجه قرار داده‌اند و بعضی دیگر از محققان بررسی افزایش نمرات پیشرفت تحصیلی فراگیران و مشاهده نحو تدریس و کلاس‌داری معلمان را توصیه نموده‌اند.^۶

^۱ - همان منبع ، ص ۵۱.

^۲ - بروس جویس و مارشاول ، الگوهای تدریس ، مترجم محمدرضا بهرنگی ، جلد اول ص ۵.

^۳ - N.L. Gage. Teacher. Effectiveness and teacher Education. (America, MC nally, ۱۹۷۲) P. ۷۵

^۴ - فیلیپ کومیز، بحران جهانی تعلیم و تربیت در دهه ۱۹۸۰، ترجمه فریده آل‌آقا، چاپ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۶۹، ص ۱۳۹.

^۵ - کیمبل وایلز، درس معلم دانا ، ترجمه م. محمودی ، انتشارات یزدانی ، ۱۳۴۴ ، ص ۵.

^۶ - زهره سرمد، مدل‌های تحقیق درباره کارآیی معلم و تدریس، نشریه دانشکده علوم تربیتی ، شماره ۱۲، سال ۱۳۵۴، ص ۱۲۳ و ۱۲۹.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از جمله صاحب نظرانی که در این مورد مطالعه و تحقیق نموده است لئونارد . اچ . کلارک^۱ می باشد که پنج روش زیر را برای ارزیابی کیفیت تدریس معلم پیشنهاد نموده است.

- ۱- سنجش آموخته های فراگیران (پیشرفت تحصیلی)
- ۲- بررسی طرح های درسی معلمان
- ۳- ضبط اعمال، حرکات و گفتارها در کلاس و تجزیه و تحلیل آنها
- ۴- تحلیل کنش های متقابل معلم با فراگیر
- ۵- ارزشیابی دانش آموز از کار معلم^۲

مهارت های ارائه درس^۳

می دانیم که معلم ارائه کننده مطالب درسی در کلاس است و این مطلب همواره برای وی حائز اهمیت می باشد. در اکثر کلاس های سنتی ، معلم تشریح می کند، داستان سرایی می کند، بحث می کند، سخنرانی می کند و توضیح می دهد. همانطور که پیروت^۴ گفته است : «بدون در نظر داشتن سطح یادگیری فراگیران ، لزوم شناساندن حقایق تازه، مفاهیم و اصول به فراگیر تا توضیح عقاید ، روشن ساختن مطالب یا باز نمودن روابط، بیشتر اوقات معلم را در موقعیتی قرار می دهد که ناچار است در حد زیادی مطالب ارائه دهد.»

وی پنج مهارت را مشخص می سازد که برای معلم لازم است در خود گسترش دهد، تا بدین وسیله ارائه کننده موفق گردد که عبارتند از :

- ۱- مهارت زمینه سازی (مقدمه چینی)
 - ۲- اختتام (جمع بندی)
 - ۳- تنوع در انگیزه
 - ۴- توضیح واضح
 - ۵- استفاده از مثالها و نمونه ها .
- که به ترتیب ذیل هر یک را مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱- مقدمه چینی (مهارت زمینه سازی)

چیدن تعریف شده است به عنوان :

«شرایط موقت ولی غالباً مستمر فردی که:

الف) او را نسبت به انگیزه ها یا رویدادهای محیطی بیش از هر چیز دیگر آشنا ساخته و مشخصاً فکر او را متوجه خود می کند.

ب) بعضی فعالیتها یا پاسخها را نسبت به انواع دیگر آسان می نماید.»

مقدمه بطور ساده یعنی معرفی. بنابراین صحبت ما در مورد بیان کردن یا به انجام رساندن (باهر دو) موارد خاصی است که قبل

از یادگیری مطرح می شود تا توجه یادگیرنده را به وظایف محوله هدایت نماید.

^۱ - Leonard.h.Clark

^۳- لئونارد. اچ. کلارک ، آموزش دوره متوسطه ، ترجمه جواد طهموریان ، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، سال ۱۳۶۸، ص ۴۶۴.

^۴- لوئیز کوهن و لارنس مانیون، راهنمای علمی تدریس ، ترجمه فاطمه شاکری و هما افراخته ، زمستان ۷۲، ص ۱۶۷.

^۴ - Perrott



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیروت می‌گوید: «فعالیت‌های انجام شده قبل از عمل یادگیری بر نتایج حاصله اثر خواهد داشت و بعضی از مقدمه‌چینی‌ها نسبت به انواع دیگر در رسیدن به نتایج طرح‌ریزی شده موفقیت‌آمیزتر هستند.»
او چهار عمل مقدمه چیدن را به طریق زیر مشخص می‌نماید:

- ۱- متمرکز نمودن توجه یادگیرنده نسبت به آنچه باید یاد بگیرد از طریق ایجاد علاقه در او.
- ۲- به عنوان وسیله‌ای جهت انتقال از مطالب آشنا به جدید، از دانستنی به نادانستنی، از مطالبی که قبلاً آموخته شده به مطالب جدیدی که قرار به معرفی آن است، می‌باشد. در شروع درس زمینه‌سازی اغلب با استفاده از جلسه پرسش و پاسخ درس گذشته شروع شده و به یادگیری جدید از درس جاری هدایت می‌گردد. بعلاوه طبق گفته پیروت، زمینه‌سازی می‌تواند با استفاده از مثالهای معلومات عمومی فراگیران شروع شده و در جهت مطالب جدید با استفاده از مثالهای معلومات عمومی فراگیران شروع شده و در جهت مطالب جدید با استفاده از مثالهای معلومات عمومی فراگیران شروع شده و در جهت مطالب جدید با استفاده از مثال یا تجزیه و تحلیل پیش برود.
- ۳- مقدمه‌چینی ممکن است در جهت تهیه چارچوب یا ساختار یک درس بکار رود. پیروت از شواهد تحقیقی نقل می‌کند، در صورتی معلمین می‌توانند بر یادگیری فراگیران بیشترین تأثیر را بگذارند که انتظارات خود از آنان را قبلاً یا در شروع درس به آنها گفته باشند. این نوع انگیزه احتمالاً کلی‌تر است و کلاس را با یک چهارچوب یا الگوی درس آماده خواهد نمود.
- ۴- چهارمین نقش زمینه‌سازی، معنی‌دار کردن مفاهیم یا اصول جدید است. با استفاده مکرر از مثالهای ملموس و خاص و تجزیه آن به فراگیران در درک انتزاعی عقاید کمک می‌شود.

۲- جمع‌بندی (اختتام):

اگر مقدمه‌چینی ادراک یادگیرنده را به طریقی خاص در شروع یادگیری سازماندهی کند، جمع‌بندی همانطور که پیروت توضیح می‌دهد، تکمیل‌کننده مقدمه‌چینی با هدایت توجه با پایان توالی یادگیری یا در انتهای یک درس کامل با تمرکز آنچه که یادگرفته شده است، می‌باشد. در واقع نقش اصلی آن - کمک به فراگیر است تا نکات اصلی را برای جلسه بعدی به خاطر داشته باشد. پیروت هشدار می‌دهد، که جمع‌بندی لازم است بطور دقیق برنامه‌ریزی شود، بنابراین برای آن باید زمانی را در نظر گرفت. همانطور که او می‌گوید، با صدای زنگ، درس را تمام کردن، بی‌اثرترین نوع پایان دادن به یک درس است.^۱

۳- تنوع انگیزه‌ها

این مهارت، یعنی تنوع در انگیزه‌ها لازم است برقرار شود، زیرا ارائه یکنواختی مطلب منتهی به کسالت و غیرفعال بودن ذهن می‌گردد. مجدداً بر اساس شواهد تحقیقی، تعیین می‌شود که تغییرات در یک محیط ادراکی توجه را جلب نموده و تفکر را برمی‌انگیزاند. پیروت عناصر اصلی در متنوع نمودن انگیزه‌ها را به طریق زیر مشخص می‌کند:

- ۱- حرکات معلم: جابجایی آگاهانه و بی‌موقع در کلاس می‌تواند در ایجاد و نگهداری انگیزه کمک نماید. ولیکن از عصبی شدن، حرکات خنده‌دار و تحریکی مانند بالا و پایین رفتن غیرعادی در یک نقطه از کلاس اجتناب ورزید.
- ۲- تمرکز بخشی رفتاری: ارتباطات با استفاده از تمرکز بخشی کلامی می‌تواند حمایت شود (تأکید کردن بر کلمات خاص، عبارتها و یا جهت‌دادن‌ها) و تمرکز بخشی حرکتی (استفاده از حرکات چشم، حالات چهره، حرکات سر، بازو و بدن). همانطور که پیروت بیان می‌کند، حرکات بدنی وسیله مهم ارتباطی بین معلم و فراگیران هستند که برای جلب توجه و بیان احساسات بکار برده می‌شوند. تمرکز بخشی کلامی و حرکتی که ترکیب دو حرکت است می‌تواند مفید باشد.

^۱- همان منبع، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۳- تغییرات در الگوهای سخنرانی : متضمن تغییر دادن صدا و بیان است که می‌تواند شرایط زنده محیط را افزایش دهد، سکوت کردن و سکون‌های موقتی نیز می‌تواند مؤثر واقع شود.
- ۴- تغییر در واکنش‌های متقابل : در اینجا منظور تغییرات حلقه‌ای بین انواع اصلی تعامل می‌باشد.
- معلم و کلاس ، معلم و فراگیر، فراگیر با فراگیر.
- ۵- کانالهای ارتباطی حسی : اطلاعات توسط پنج حس جریان می‌یابد و بر مبنای تحقیقات ، توانایی فراگیران برای کسب دانش و اطلاعات با استفاده از حواس دیداری و شنیداری متنوباً می‌تواند افزایش یابد. بدین طریق که معلم توضیحات کلامی را با کمک نمودارها دنبال خواهد کرد.^۱

۴- واضح بودن توضیح:

- مجدداً پیروت متذکر می‌شود که یافته‌های تحقیق دلالت بر این دارد که :
- واضح بودن ارائه درس چیزی است که می‌تواند بطور قابل ملاحظه‌ای بر موفق بودن تدریس اثر زیادی بگذارد. او با انتخاب تعدادی از عوامل مهم که در تأثیرپذیری یک توضیح شرکت دارند، به بحث ادامه می‌دهد. این عوامل عبارتند از :
- الف (تداوم : برقراری یک ارتباط قوی بین مطالب درس ، مورد بسیار مهمی است که باید بطور کالم روشن بوده و شاخه‌های انشعابی آن را به حداقل رساند.
- ب) سادگی: سعی کنید از جملاتی که دارای قواعدی ساده و محسوس هستند استفاده کنید. همانطور که پیروت می‌گوید: یک دلیل متداول شکست، دادن اطلاعات زیاد در یک جمله است. جملات کوتاه بکار ببرید و اگر روابط پیچیده است با وسایل دیداری ارتباط برقرار سازید. از نظر واژه‌ها، از کلمات ساده با توجه به سطح درک کلاس، استفاده کنید. اگر در حد تخصصی است و از اصطلاحات خاص موضوع استفاده می‌کنید، اطمینان حاصل کنید که اصطلاحات بکار گرفته شده بدقت تعریف و درک می‌شوند.
- ج) روشن بودن : پیروت توضیح می‌دهد که یک دلیل برای عدم موفقیت در ارائه درس جدید به کلاس، فرضیه‌ای است که شاگردان بیشتر از آنچه باید، می‌فهمند. در آنجا که باید توضیح داده شود، شخص باید هر چه تمامتر آن را مطرح سازد.^۲

۵_ استفاده از مثال‌ها:

- استفاده از مثال‌ها یک مورد اساسی تدریس بوده و شدیداً اهمیت طرح آن ضرورت دارد. خصوصاً در ارائه مطالب جدید. در مورد استفاده از مثال‌ها موارد ذیل توصیه شده‌اند:
- ۱- با مثال‌های ساده شروع کنید و در جهت پیچیده‌تر کردن کار کنید.
 - ۲- مثال‌ها را در ارتباط با تجربیات فراگیران و سطح معلومات آنان شروع کنید.
 - ۳- مثال‌ها را به اصول ، عقاید یا تعمیم آنچه که درس داده می‌شود، ارتباط دهید.
 - ۴- امتحان کنید، ببینید آیا به اهداف خود رسیده‌اید یا خیر؟ از فراگیران بخواهید مثالهایی بزنند که نکات مورد نظر شما را دربرداشته باشد.^۳

^۲- همان منبع ص ۱۷۰.

^۱- همان منبع ، ص ۱۷۰.

^۲- همان منبع ، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- طرح سؤال و پرسش

مهارت پرسش در کلاس نقش‌های مهم و متعددی را ایفا می‌کند و از نظر اجتماعی به برقراری ارتباط و انسجام گروهها از طریق کنش‌های متقابل چهره به چهره کمک می‌نماید.

از نظر آموزشی، یک نقش پرسش مطرح کردن اطلاعات است. به این ترتیب که می‌تواند وسعت یادگیری قبلی فراگیر را قبل از معرفی موضوع، یا مطلب آموزشی جدید، امتحان کند. یا ممکن است به تکرار یادگیری اولیه کمک شود یا آموزش و یادگیری اخیر را تداوم بخشد. از آن گذشته در هر حال سؤالات بایستی ارزش آموزشی داشته باشند. یعنی معلم با پرسیدن سؤال به فراگیر کمک کند تا بتواند:

«تمرکز کند و روشن شود و بدین ترتیب دارای افکار و ادراکاتی می‌شود که در هر حالت دیگر نمی‌توانست داشته باشد»^۱

عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی^۲:

۱- **هدف**: اگر بخواهیم بازده و نتایج هدفهای تربیتی به طور دلخواه و رضایت‌بخش حاصل شوند، هدفها باید کاملاً گویا و روشن باشند.

۲- **آمادگی**: برای اینکه فراگیر در تجربه‌های آموزشی و تحصیلی خود شرکت فعال و موفقیت‌آمیز داشته باشد باید از آمادگیهای بدنی و روانی و ذهنی کافی برخوردار باشند.

۳- **انگیزش**: انگیزش یا علاقه به یادگیری در حقیقت ترکیبی از چه چیز آموختن با چرا آموختن است. بدین معنی که چه چیز بیاموزیم تا آموختن آن برای ما سودمند و مطلوب باشد. روانشناسان بسیاری معتقدند که انگیزش مهمترین عامل مؤثر در کارایی و یادگیری است.

۴- **فعالیت**: برای اینکه حداکثر یادگیری حاصل شود، یادگیرنده را نمی‌توان موجودی انفعالی یا فعل‌پذیر دانست. فعالیتهایی مانند چابکی و هوشیاری ذهنی از شرایط لازم در یادگیری است. به سخن دیگر دستگاه درون‌ده حسی^۳ موجود زنده باید هوشیار و چابک باشد و فرایند واکنش‌کننده نیز نیرومند باشد.

۵- **تمرکز**: تمرکز را باید متمایز از توجه صرف دانست. در واقع تمرکز توجه به هدف است که به گونه‌ای مؤثر به سود یادگیری گرایش می‌یابد.

۶- **سازماندهی**: در سازماندهی یک رشته اجزاء و بخشهای مختلف معلومات به یکدیگر پیوند می‌یابند و به عنوان یک کل با معنا ادراک می‌شوند. سازماندهی فرایندی است که مواد خام یادگیری را به یک وسیله سازنده تبدیل می‌کند که نیل به هدفهای تربیتی را آسان می‌سازد.

۷- **پاسخ**: پاسخ را می‌توان یک عمل یا یک تغییر درونی دانست که موجود زنده را برای فعالیت آماده می‌سازد.

۸- **فهم**: فهم ادراک معناهاست، استنتاجها و پیامدها و کاربردهایی است که تجربه معینی را برای یادگیرنده قابل درک می‌سازد.

۹- **تمرین یا تکرار**: تکرار اگر درست بکار گرفته شود گرایش و توانایی یادگیرنده را برای به خاطر سپردن یا کاستن از تأثیر نامطلوب فراموشی افزایش می‌دهد. تکرار، دوباره کاری یا دوباره‌سازی محض نیست. فعالیت برای یادگیرنده باید با هدف و دارای ارزش واقعی باشد. پرآموزی از نظر انگیزش ذاتی بسیار مطلوب است.

^۱- همان منبع، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

^۳- محمد پارسا، روان‌شناسی تربیتی، چاپ رودکی، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۷۳.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۰- واکنش نسبت به ناکامی: وقتی شخص به مانعی برخورد می‌کند، یا برای رسیدن به هدفی ناکام می‌شود باید به تعبیر و تفسیر و سازماندهی مجدد رفتارش بپردازد. این عمل به لحاظ گزینش مسیر جدید و برای وصول به هدف یا گزینش هدفی که جانشین آن شود ضرورت دارد.^۱

الگوی تدریس

امروزه دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت وابسته به یونسکو تعداد بیش از ۳۰۰ روش تدریس شناخته شده را ذکر می‌نماید که در ایران نیز توسط بعضی از مدرسان در مورد شیوه‌ها تدریس مطالبی نوشته شده است. ^۲لیکن یکی از متخصصان مدیریت آموزشی این الگوها را چهار خانواده تحت عنوان زیر:

- ۱- خانواده اجتماعی
 - ۲- خانواده اطلاعات پردازشی
 - ۳- خانواده فردی
 - ۴- خانواده سیستم رفتاری،
- تقسیم می‌نماید که در ذیل به شرح مختصر هر یک می‌پردازیم.

۱- خانواده اجتماعی^۳:

این الگوها از آن جهت ماهیت ما را به عنوان موجودات اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند که بتوانیم برای ایجاد روابط ثمربخش‌تر با یکدیگر یادگیریمان را توسعه و توانایی‌هایمان را گسترش دهیم. دامنه این الگوها از جریانی ساده برای سازماندهی همکاری شاگردان با یکدیگر تا الگوهای جاافتاده‌ای که سازمان اجتماعی مردم‌سالار و تحلیل مسائل عمده و موضوعها و ارزشهای اساسی اجتماعی را آموزش دهند گسترده است.

ساده‌ترین اشکال یادگیری از طریق همکاری، سازمان دادن به شاگردان به نحوی است که به یکدیگر کمک کنند تا بتوانند به تکالیف شناختی و اجتماعی ارائه شده به خود با استفاده از الگوهای تدریس از نوع پردازش اطلاعات پاسخ دهند. همکوشی چیزی است که در جریان همکاری شاگردان با یکدیگر در یادسپاری، دریافت و تشکیل مفاهیم و یادگیری چگونه‌سازی و چگونه‌آزمایی فرضیه‌ها حاصل می‌شود. سازمانهای یادگیری از طریق همکاری که امروز برای تحقیقات و کوشش‌های روبرت اسلاوین^۴ دیوید و روجر جانسون^۵، و همکارانشان کاملاً مورد استفاده قرار می‌گیرد بطور مثبت بر یادگیری تحصیلی، رشد اجتماعی و خودیابی شاگرد اثر می‌گذارد. این الگو دارای مقوله‌هایی به شرح ذیل می‌باشد.

الف) یاران در یادگیری^۶ (از تفحص دو نفری تا گروهی)^۷:

۱- همان منابع، ص ۲۷۴.

۲- محمدرضا بهرنگی، مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، چاپ گلچین، زمستان ۱۳۷۱، ص ۲۱.

۳- The Social Family

۴- Robert Slavin

۵- David and Roger Johnson

۶- Parents in learning

۷- From Dyads to Group Investigation



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اساساً مردم سالاری راهی برای حل مسائل بوسیله یادگیری و عمل جمعی است. جان دیویی پیشنهاد می کند تفحص گروهی در یک جامعه مردم سالار باید الگوی اساسی یادگیری تحصیلی و اجتماعی باشند. هربرت ثلن^۱ به گسترش این نظریه و عمل به آن می پردازد. تحقیقات و تمرینات اخیر شلموشاران^۲ و همکارانش این الگوی گسترده، پیچیده و بسیار خوب را تأیید و تبیین می کند.^۳

ب) ایفای نقش^۴ (بررسی ارزشها و رفتار اجتماعی)^۵
فانی^۶ و جرج شافتل^۷ طراحان جریان یادگیری هستند که به فهم شاگردان و بهبود ارزشهای اجتماعی آنان کمک می کنند. ایفای نقش در شرایط دارای مسئله برای افتتاح باب گفتگو درباره ارزشها و چگونگی اثر آنها در زندگی روزانه بکار می رود. این الگو اجازه می دهد ارزشها بعنوان هسته رشد خویشتن (جایی که در آن هنجارهای اجتماعی و ماهیت فردی و دریافت معنا بهم پیوند) بررسی شود.

ج) کاوشگری به روش محاکم قضایی^۸ (یادگیری تفکر در باب خط مشی اجتماعی)^۹
تدوین خط مشی اجتماعی یک نیاز اساسی در گروههای کوچک، جوامع، ملل و حتی جوامع بین المللی است. الگوی محاکم قضایی بر حول تحلیل موارد دارای مسئله و اتفاق افتاده یا مسایلی که فقط با تبیین ارزشها و رفع تعارضها و درخواستهای مشترک حل می شود به تحلیل خط مشی می پردازد.

این الگو که توسط دونالد اولیور^{۱۰} و جیمز شیور^{۱۱} تکامل یافته و برای تدوین دروههای مطالعات اجتماعی یا روشن ساختن سئوالات خط مشی در برنامه تحصیلی سایر زمینهها از علوم گرفته تا ورزش، به کار می رود.

د) تطبیق با تفاوتهای فردی^{۱۲} (نظریه سیستمهای مفهومی)^{۱۳}
ما چگونه در درس اجتماعی برای شاگردانی که مراحل رشد را می گذرانند به طرح برنامه پردازیم؟
ما از تفکرات دیوید هانت^{۱۴} که این تفکرات را با همکاری او. جی. هاروی و هارولد شرودر^{۱۵} برای انتخاب و تغییر در تکالیف اجتماعی بسط داده است استفاده می کنیم تا بتوانیم موجباتی فراهم سازیم تا فراگیران بازدهی و رشد خود را به حداکثر برسانند. از

^۱ - Herbert Thelen

^۲ - Shlomo sharan

^۳ - بروس جویس، مارشادویل و بورلی شاورز، الگوهای تدریس، مترجم محمدرضا بهرنگی، چاپ و نشر علامه طباطبایی، زمستان ۷۳،

ص ۵ و ۶.

^۴ - Role playing

^۵ - Studying Social Behavior of Values

^۶ - Fannie

^۷ - George Shaftel

^۸ - Jurisprudential Inquiry

^۹ - Learning to think about social policy

^{۱۰} - Donald Oliver

^{۱۱} - James Shaver

^{۱۲} - Adapting to Individual Differences

^{۱۳} - Conceptual Systems Theory

^{۱۴} - David Hunt

^{۱۵} - O.J.Harvey. Harold Schroder



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آنچه که نظریه سیستم‌های مفهومی، رشد عقلی و اجتماعی را در برمی‌گیرد، می‌توانیم از آن برای متناسب ساختن مراحل رشد فراگیران با تکالیف اجتماعی و شناختی در خانواده الگوهای اطلاعات پردازشی و خانواده الگوهای اجتماعی استفاده کنیم.^۱

۲- خانواده اطلاعات پردازشی^۲

آموختن مهارت‌های یادگیری به فراگیران از طریق تفکر:

در حالیکه تحقیق در باب اینکه فراگیران چگونه تفکر را یاد می‌گیرند، به هیچ روی کامل نیست و الگوهای متنوعی وجود دارد که بر توانایی فراگیران برای جستجو و تسلط بر اطلاعات، سازمان دادن به آن، فرضیه‌سازی و آزمون فرضیه‌ها، و استفاده از آموخته‌ها در خوانندگی و نوشتن و کشف خود و دنیای پیرامون خود می‌افزاید. بعضی از این الگوها شاگردان را در جهت گردآوری اطلاعات و ساختن مفاهیم هدایت می‌کند. بقیه الگوها به آنان می‌آموزد تا از آموزش مستقیم خواندن، سخنرانی و سیستم‌های آموزشی استفاده کنند. بحث‌های اساسی خانواده فوق را موارد ذیل تشکیل می‌دهند.

الف) تفکر استقرایی^۳ (گردآوری، سازماندهی، و کنترل اطلاعات اولیه^۴)

طبقه‌بندی یک مهارت اساسی و منظم در سطح بالایی از تفکر بوده و هر یک از مهارت‌های تحلیلی و ترکیبی مبتنی بر تمایزاتی است که در خلال طبقه‌بندی بوجود می‌آید. ما بر اساس آثار هیلدا تابا^۵ و بسیاری از کسانی که رشد جریان‌های تفکر را مد نظر خود قرار داده‌اند، الگوی اساسی طبقه‌بندی را ارائه می‌کنیم که با تشکیل مفهوم شروع شده و در جهت بهبود تعمیم‌ها و استنباط‌ها و فرضیه‌ها در باب علیت پیش می‌روند.

ب) دریافت مفاهیم^۶ (مهارت‌های اساسی تفکر^۷)

این الگو مبتنی بر بررسی جریان‌های طبقه‌بندی، به شاگردان در یادگیری گروه‌ها و بررسی چگونگی یادگیری و کاربرد آنها کمک می‌کند. الگوی مذکور برای معلمان نیز بجای استقراء یک جانشین مفهومی فراهم می‌کند که آنان را برای کنترل منظومه‌های اطلاعات اولیه و کمک به فراگیران برای بهبود دانش دقیق مفاهیم قادر می‌سازد.^۸

ج) یادسپاری^۹ (دریافت درست حقایق)

تحقیقات جدید در باب یادسپاری، بخصوص در استفاده از «کلمات اتصالی»^{۱۰} که تداعی‌ها را تسهیل می‌کند اثرات چشمگیری در باب میزانی بوجود آورده است که فراگیران می‌توانند اطلاعات و مفاهیم را بدست آورند. مربیان، در بعضی از کاربردها به ایجاد یادیارها^{۱۱} می‌پردازند. فراگیران در بقیه کاربردها یادیارهایی را از خود بوجود می‌آورند. فراگیران در هر دو حالت به صورت گروه‌های

^۲- همان منبع، ص ۶ و ۷.

^۲ - The Information Processing Family

^۳ - Thinking Inductively

^۴ - Collecting, Organizing and Manipulating Data

^۵ - Hilda Taba

^۶ - Attaining Concepts

^۷ - The Basic Skills of Thinking

^۳- همان منبع، ص ۸ و ۹.

^۹ - Memorization

^{۱۰} - Link words

^{۱۱} - Mnemonics



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیرنده در می‌آیند که از شناخت درباره چگونه بدست آوردن، ذخیره کردن و بازیابی اطلاعات برخوردارند. تحقیقات جوئل لوین^۱، پرسلی^۲ و همکارانش بر اهمیت عرضه کنترل شناختی بر راهبردهای یادگیری و یا بعد «فراشناختی»^۳ فراگیر بودن تأکید دارند. به سخنی دیگر به فراگیران نمی‌آموزند که صرفاً در فعالیت یادگیری دست‌اندرکار باشند بلکه به آنان می‌آموزند چگونه یادگیرند و چگونه از شناخت در باره یادگیری برای افزایش اثربخشی استفاده کنند.

(د) یادگیری از عرضه مطالب^۴ (پیش‌سازمان دهنده‌ها^۵)

این الگوها مبتنی بر تحقیقات دیوید آزوبل و با افزایش فعالیت شناختی فراگیران به تسهیل یادگیری از سخنرانی، خواندن و

سایر وسایل عرضه مطالب و دروس می‌پردازد.

(ه) آموزش کاوشگری^۶ (از حقایق تا نظریه‌ها^۷)

این الگو محور برنامه‌ای است که اولین بار توسط ریچارد ساکمن^۸ بوجود آمد تا به فراگیران، دست‌اندرکار شدن با استدلال علی

را بیاموزد. آموزش در حول و حوش مجموعه‌ای از مسایل بغرنج بوجود می‌آید که شاگردان در آن برای حل مسئله با گردآوری و تأیید

اطلاعات اولیه، بهبود مفاهیم، و فرضیه‌سازی و آزمون فرضیه‌ها تلاش می‌کنند^۹.

(و) بدیعه‌پردازی^{۱۰} (افزایش تفکر خلاق^{۱۱})

می‌توان چنین تصور نمود که توانایی فراتر رفتن از دانسته‌ها و ترکیب نظرات و راه‌حل‌های مسایل سرانجام همان مهارت

پردازش اطلاعات است. نیز می‌توان چنین مدلل نمود که یکی از فرازهای رشد فکری آزاد شدن برای خلق است. ویلیام گوردون^{۱۲} روش

کاری را به منظور کمک به افراد برای شکستن زمینه‌های ذهنی خود و ایجاد راه‌های جدید برای حل مسایل، ایجاد نوشته‌ها و سخنان

درخشان، و بهم آمیختن گروهها در حول مسئله‌گشایی خلاق بوجود آورده است. بیش از آن که خلاقیت به عنوان جریانی درونی و

کنار افتاده تلقی شود خلاقیت در گروهها رشد یافته و بریکپارچگی و همدلی اعضای گروه می‌افزاید.

(ز) عقل رشد یابنده^{۱۳} (وفق دادن الگوها با رشد شناختی^{۱۴})

^۱ - Joel Levin

^۲ - Perssley

^۳ - Meta Cognitive

^۴ - Learning from presentation

^۵ - Advance Organizers

^۶ - Inquiry Training

^۷ - From Fact to Theories

^۸ - Richard Suchman

^۳ - همان منبع، ص ۹ و ۱۰.

^{۱۰} - Synectics

^{۱۱} - Enhancing Creative Thought

^{۱۲} - William Goudon

^{۱۳} - The Developing Intellect

^{۱۴} - Akjusting Molels to Cognitive Development



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ژان پیاژه^۱ و همکارانش الگویی از رشد شناختی بوجود آورده‌اند که ما از آن می‌توانیم برای سازمان دادن به الگوهای پردازش اطلاعات به منظور تسهیل نشو و نما و شناختی استفاده کنیم. ما این الگوها را برای کمک به فراگیران در افزایش سطوح فعالیت ادراکی آنان انتخاب و تطبیق می‌دهیم.^۲

۳- خانواده فردی^۳ (قراردادن فرد در کانون توجه^۴)

الگوهای فردمداری، هویت فردی یا خودداری درک و تفکر منسجم را کانون توجه قرار می‌دهد. این الگوها محیط را در حول توان آموزش خود و نیاز به بهبود خود آگاهی و فهم شکل می‌دهد که دارای الگوهایی به شرح زیر می‌باشد.
الف) تدریسی که امر و فرمان در آن نباشد (غیردستوری^۵)
(فراگیر در کانون^۶)

کارل راجرز روانشناس و سخنگوی گروه موافق با تدریس در حول دنیای ادراکی فراگیران است. معلم در الگوهای تدریس بی‌امر و فرمان به عنوان مشاور عمل می‌کند که به فراگیران در درک خود، بیان اهداف و قبول مسئولیت برای نشو و نما و جهت‌دهی به فعالیت‌هایشان کمک می‌کند. این الگو که برای رشد خود تدین یافته است، برای ما به عنوان معلم، بسیار مهم است و به ما در رخنه به فضای روانشناختی شاگردان و منظور داشتن آنان در مشارکت یاددهی و یادگیری کمک می‌کند.

ب) مفاهیم خود^۷ (الگوسازی حالات خوب نشو و نما^۸)

روابط متقابل فرد فرهیخته با دنیای خود یا خدمت به آن متنعم شدن از آن سرانجام شاهدهی است بر این مطلب که آموزش و پرورش مؤثر بوده است. ما چارچوبی برای بررسی خود در حال نشو و نما به اجرا می‌گذاریم و برای فراگیران روشی برای راه زندگی در تحقق خویشتن الگوسازی می‌نماییم^۹

۴- خانواده سیستم‌های رفتاری^{۱۰} (نظریه رفتار^{۱۱})

رویکرد بسیاری به یادگیری بر اساس آثار بی. اف. اسکینر^{۱۲} بوجود آمده که هر یک از مزیت این توان انسانی برای وفق رفتار با امور و بازخورد از آن برخوردار است. دامنه استفاده از این الگوها وسیع است.

۱ - Jean Piaget

۱۰- همان منبع، ص ۱۰ و ۱۱.

۳ - The Personal Family

۴ - Focus on the Person

۵ - Nondirective Teaching

۶ - The Learner at the Center

۷ - Concepts of Self

۸ - Modeling Rich States of Growth

۵- همان منبع، ص ۱۱ و ۱۲.

۱۰ - The Behavioral Systems Family

۱۱ - Behavior Theory

۱۲ - B.F. Skinner



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در این دامنه از تدریس اطلاعات، مفاهیم و مهارتها، افزایش راحتی و آسودگی و کاهش ترسهای مرضی، تغییر عاداتها، تا یادگیری کنترل رفتار خود فرد وجود دارد. تعداد الگوهای منتخب فقط چند الگو از الگوهایی است که واجد توانایی بالقوه برای استفاده در منظومه‌های آموزشی می‌باشد. که در اینجا به توضیح مختصر هر یک می‌پردازیم.

الف) یادگیری تسلطیاب، آموزش مستقیم و نظریه‌های یادگیری اجتماعی^۱ یکی از کاربردهای مهم نظریه‌های سیستم‌های رفتاری تحول بخشیدن به سیستم‌هایی است که به وظایف یادگیری این حالت را می‌بخشد که بتواند بر حسب پیشرفت فراگیران منظم شده و به شاگردان بیاموزد تا خود را با اقدام بهینه همگام سازند. این سیستم‌ها اغلب با سازمان دادن به مطالب درسی به صورت واحدهای آموزشی نسبتاً کوچک و متوالی و با قرار دادن سنجش‌های یادگیری در آنها به فراگیران ارائه می‌شوند. این «یادگیری تسلطیاب» یا سیستم‌های «آموزش مستقیم» در زمینه‌های بسیار متنوعی از رشد تحصیلی، جسمانی و عقلانی بطور موفقیت‌آمیز بکار گرفته شده است.

ب) خودگردانی در یادگیری^۲ (استفاده از بازخورد برای تغییر رفتار) کارل تورسن^۳ و همکاران در تدریس نحوه تغییر طرح‌های رفتاری به فراگیران با استفاده از اصول سیستم‌های رفتاری، روشهایی را بوجود آورده‌اند که بتوانند ضمن تدریس نحوه ایجاد و تغییر طرح‌های رفتاری، نحوه در اختیار گرفتن کنترل بر خویشتن را به فراگیران بیاموزند.

ج) تربیت و خودتربیتی: یادگیری از شبیه‌سازها^۴ (از مهارتهای اساسی تا اکتشافات فضایی^۵) محققان روشهایی در مجتمع‌های صنعتی، نظامی و ورزشی، و آموزشی و پرورشی برای رشد مهارتها و افزایش اثربخشی استفاده از این مهارتها در کار و آموزش و پرورش بوجود آورده‌اند.

د) شرایط یادگیری^۶ (دقیق ساختن آموزش^۷) روبرت گاینه^۸ و همکارانش به ایجاد نوعی طبقه‌بندی برای اهداف یادگیری پرداخته‌اند که در سازمان دادن به هدفهای معین و جای نهادن آنها در توالی مناسب کمک می‌کند.^۹

نتیجه‌گیری

معلمی در کار تدریس موفق‌تر است که از بین روشهای پرشمار تدریس روش مناسب را در کلاس بکار برده و به بهبود تدریس و یادگیری هر چه بیشتر و بادوامتر دانش‌آموز کمک کند. با توجه به ماهیت وجودی انسان و با بازنگری نظریه XY مک گریگور^{۱۰} بیاد می‌آوریم که انسان از دید مدیران و رؤسا دارای ویژگیهای کاری متفاوتی به شرح ذیل می‌باشد:

^۱ - Mastery Learning Direct Instruction, and Social Learning Theory

^۲ - Learning Self-Control

^۳ - Carl Thoresen

^۴ - Training and Self-training: Learning from Simulations

^۵ - From the Basic Skills to the Expbration of Space

^۶ - The Conditions of Learning

^۷ - Jocusing Instruction

^۸ - Robert Gagne

^{۱۰} - D- MC Gregor



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مدیر تابع نظریه X معتقد است که : انسان موجودی است بیزار از کار و فاقد خلاقیت و به اینکه تحت کنترل و سرپرستی و اجبار قرار گیرد تمایل دارد. و نظریه Y بیان می‌دارد که : انسان موجودی است خلاق و هوشمند و کارجو و فعالیت طلب و نسبت به کار خود متعهد و مسئول^۱.

تصورات فوق مؤید این نکته است که برخی از معلمین راحت طلب بوده و بدنبال آسانترین روشهای کاری بطور اعم از ساده‌ترین روشهای تدریس بطور اخص می‌باشد. حال آنکه ممکن است روش اتخاذ شده بهترین روش ممکن نباشد.

در عین حال بعضی از آنها که نسبت به کار خود و وظیفه معلمی احساس مسئولیت عمیق می‌نمایند، همواره در حال بکارگیری روشهای متفاوت و مناسب تدریس در کلاس درس می‌باشند، اما مشکل عمده این نیست که معلم از روش تدریس راحت استفاده می‌نماید یا نه ، بلکه مسئله اساسی و پراهمیت این است که کدام الگوی تدریس برای هر درس مناسب بوده و موجب یادگیری بهتر می‌گردد.

«یادآوری می‌گردد که هیچ روشی همراه و در همه جا بهترین روش نیست و خوب یا بد بودن روشهای تدریس وابسته به

عوامل متعدد و گوناگونی است».

این مسئله‌ایست که کلیه سازمانها و مراکز آموزشی کشورمان کم و بیش با آن دست به گریبان می‌باشند و تشخیص و یافتن

جواب آن برای هر یک حیاتی به نظر می‌رسد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و مأخذ

- ۱- مکارم شیرازی ، ناصر - تفسیر نمونه ، جلد ۱ ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه ، چاپ هفتم ، مهر ماه - ۱۳۶۱ ص ۱۲۱.
- ۲- بهرنگی ، محمدرضا - مدیریت آموزشی آموزشگاهی ، چاپ گلچین ، زمستان ۷۱ ، ص ۲۱.
- ۳- مجله رشد آموزش شیمی ، سال دهم ، پاییز ۱۳۷۲ ، شماره مسلسل ۳۷ ، ص ۴.
- ۴- بیان ، حسام‌الدین - شکیبا مقدم محمد - مدیریت شیوه‌های نوین در آموزش ، مرکز آموزش مدیریت دولتی ص ۴۴.
- ۵- بروس جویس و مارشاولیل ، الگوهای تدریس ، مترجم محمدرضا بهرنگی ، جلد اول ص ۵.
- ۶- فیلیپ کوفر ، بحران جهانی تعلیم و تربیت در دهه ۱۹۸۰ ، ترجمه فریده آل آقا ، چاپ موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۶۹ ص ۱۳۹.
- ۷- کیمیل وایلز، درس معلم دانا ، ترجمه م - محمودی ، انتشارات یزدانی ، ۱۳۴۴ ، ص ۵.
- ۸- سرمد، زهره - مدلهای تحقیق در باره کارآیی معلم و تدریس ، تهران ، نشریه دانشکده علوم تربیتی ، شماره ۱۲ ، سال ۱۳۵۴ ، ص ۱۲۳ و ۱۲۹.
- ۹- پارسا ، محمد - روانشناسی تربیتی ، چاپ رودکی ، زمستان ۱۳۷۱ ، ص ۲۷۳.